

مطالعه تبیینی تئوری انقلاب هانتینگتون در انقلاب تونس (تحلیلی نو بر ریشه تاریخی تحولات ۲۰۱۱)

بهزاد قاسمی*

چکیده

مطالعه و تحلیل نظریه انقلاب هانتینگتون با انقلاب تونس از اهداف مهم این پژوهش است. یکی از نظریه‌هایی که در وقوع انقلاب‌ها ارائه شده، نظریه توسعه ناموزون و تئوری شکاف هانتینگتون است. تحولات سیاسی و انقلاب تونس براساس نظریه مذکور مورد مطالعه قرار گرفته است. پژوهش حاضر از نوع هدف، تحقیق بنیادی است که به روش کیفی و با استفاده از تکنیک توصیف و تحلیل و با ابزار فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد، مدارک و سایت‌های معتبر علمی انجام گرفته است. نگارنده در این مقاله درصدد پاسخ‌دهی به این پرسش هست که؛ نظریه هانتینگتون، به چه میزان توانایی تبیین انقلاب تونس را داراست و تا چه اندازه می‌توان انقلاب تونس را در چارچوب نظریه مذکور تبیین کرد. یافته‌های توصیفی و تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد، شاخص توسعه اجتماعی و اقتصادی در تونس مطابقت داشته و عدم توسعه سیاسی و بحران در مشارکت سیاسی به‌عنوان عامل اصلی انقلاب در تونس بوده است. در نتیجه شاخص و نشانه‌های موجود در نظریه انقلاب هانتینگتون براساس اطلاعات و داده‌های موجود با انقلاب تونس مطابقت دارد. در نتیجه نظریه انقلاب هانتینگتون دارای سه شاخص توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی و عدم توسعه سیاسی است. نیاز به مشارکت سیاسی علت اساسی انقلاب تونس بوده و در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی وضعیت حاکم بر کشور تونس مانع از توزیع و اجرای عادلانه بوده در نتیجه منجر به نابرابری اجتماعی شد. به سخی دیگر مشکل اقتصادی تونس ریشه در عدم توسعه اقتصادی نداشته؛ بلکه نتیجه شکاف اجتماعی، فساد، رانت و سلطه اقتصادی زین العابدین بن علی و خاندانش بر تونس بود. واژگان کلیدی: انقلاب، نظریه هانتینگتون، جهان اسلام، شکاف اجتماعی، تونس.

۱. مقدمه

نظریه انقلاب ساموئل هانتینگتون^۱ بر این اساس استوار است که، وقوع انقلاب مختص جوامع جدید و متأثر از اصلاحات و روند نوسازی است، جامعه انقلابی مرحله‌ای از نوسازی و اصلاحات را پشت سر گذاشته؛ ولی به طور کامل روند نوسازی طی نشده است و جامعه نوین و توسعه‌یافته به معنای واقعی به شمار نمی‌آید. به باور هانتینگتون فرایند اصلاحات و نوسازی اجتماعی و اقتصادی در جوامع مدرن با شتاب و سرعت طی شده؛ ولی اصلاحات و توسعه سیاسی هم سطح و به اندازه آن دو رشد نکرده و به شکاف اجتماعی منجر شده است (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۳۵۸). در نتیجه جامعه با رشد و نوسازی اجتماعی و اقتصادی در جذب و مشارکت نیروهای جدید و آحاد جامعه باز مانده و شکاف ایجاد می‌شود. با ایجاد فاصله و شکاف بین نوسازی اجتماعی و اقتصادی از یک سو و ناتوانی دولت در توسعه سیاسی، انقلاب روی می‌دهد. کتاب مشهور نظم سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی با تأثیرپذیری از مکتب کارکردگرایی، انقلاب را نتیجه عدم تعادل بین رشد و توسعه اقتصادی از یک سو و نهادهای سیاسی و مشارکتی می‌داند. به همین دلیل تئوری شکاف نیز نامیده می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۱۴۰-۲۲۱). وی با ترسیم خط عبور جوامع از وضعیت سنتی به جوامع مدرن و نوین مدعی است که انقلاب فقط در جوامعی که در مرحله نوسازی و گذار هستند رخ می‌دهد.



منبع: صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲

بدین ترتیب نظریه انقلاب هانتینگتون یکی از نظریه‌هایی است که درباره وقوع انقلاب‌ها مطرح شده و اهمیت مطالعه آن در تحولات جهان اسلام را دارد. این نظریه علل و وقوع انقلاب را در عدم توازن و وجود شکاف بین توسعه اقتصادی و اجتماعی با توسعه سیاسی قرار می‌دهد. تئوری توسعه نامتوازن یکی از نظریات پرکاربرد در مطالعات سیاسی و جامعه‌شناختی انقلاب‌ها است. مسئله اصلی پژوهش تبیین ریشه‌ها و شناخت تحلیلی ماهیت انقلاب تونس است. مسئله پژوهش با استفاده از تئوری شکاف نظریه هانتینگتون در تحولات انقلابی سال ۲۰۱۱ م، تونس مورد بررسی قرار گرفته است. دغدغه اصلی نگارنده در این پژوهش مطالعه و بررسی انقلاب

1. Samuel. Huntington

تونس براساس شاخص‌های موجود در نظریه هانتینگتون است که از این طریق افزون بر شناخت مبانی، ماهیت و ریشه‌های انقلاب تونس به‌عنوان پژوهشی کاربردی نیز می‌تواند در مجامع علمی و اجرایی مورد استفاده قرار گیرد. مقاله حاضر دارای نوآوری بوده و این نظریه می‌تواند نتایج جدیدی به همراه داشته باشد. و نقش و جایگاه اسلام و مردم را در تحولات و تغییرات اجتماعی نشان دهد. از این جهت که نظریه هانتینگتون خواست و مشارکت سیاسی مردم را به‌عنوان رکن اصلی و اساسی انقلاب مورد توجه قرار داده و عدم توسعه سیاسی و ناکامی دولت در نوسازی سیاسی را علت اساسی و منشأ بروز انقلاب دانسته است.

اهمیت و ضرورت پژوهش: مطالعه و شناخت دقیق مبانی و ریشه‌های انقلاب تونس با تکیه بر اسناد و اطلاعات معتبر، اهمیت دیگر این پژوهش کاربردی کردن و استفاده نتایج حاصل از آن است که با امکان جهت‌دار کردن فهم و تفکر جنبش‌های اسلامی و انقلابی با حضور آنها در تعیین سرنوشت سیاسی و رهایی از محدودیت‌های سیاسی است. تولید ادبیات تحقیق در زمینه تحولات اجتماعی و اسلامی در سطح جهان اسلام و آشنا نمودن جامعه علمی و فهم عمیق نسبت به تحولات انقلابی در کشورهای اسلامی نیز دارای اهمیت است. در زمینه ضرورت این پژوهش نیز گفتنی است که عدم مطالعه و تحقیق در زمینه انقلاب‌های جهان اسلام یک غفلت پژوهشی به‌شمار می‌آید. همچنین نگرش چنین مقالاتی امکان بازنگری به برخی دولت‌ها و حاکمیت‌ها نسبت به ماهیت استبدادی، نابرابری اجتماعی، فساد و حکومت‌های دیکتاتور وابسته بوده که نتایج آن هشدار برای اصلاحات و تغییر رویه‌های سیاسی پیش از شورش انقلابی و وقوع انقلاب است.

سؤال و فرضیه پژوهش: پرسش اصلی پژوهش که برخاسته از هدف و مسئله تحقیق است، این گونه طرح شده که؛ نظریه هانتینگتون، به چه میزان توانایی تبیین انقلاب تونس را داراست و تا چه میزان می‌توان انقلاب تونس را در چارچوب نظریه مذکور تبیین کرد. پس از بررسی و مطالعه تطبیقی نظریه هانتینگتون با تحولات انقلاب تونس، یافته‌های توصیفی و تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد، شاخص توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی در تونس مطابقت داشته و عدم توسعه سیاسی و بحران در مشارکت سیاسی به‌عنوان عامل اصلی انقلاب در تونس بوده است. در نتیجه شاخص و نشانه‌های موجود در نظریه انقلاب هانتینگتون براساس اطلاعات و داده‌های موجود با انقلاب تونس مطابقت دارد.

پیشینه تحقیق: براساس مطالعه و جستجوهای انجام‌شده درباره نظریه انقلاب هانتینگتون در تحولات انقلابی تونس اثر مستقل نگرش نیافته. بررسی‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد؛ برخی از پژوهشگران و محققان نظریه هانتینگتون را مورد نقد و بررسی قرار داده و همچنان محل بحث و

بررسی است. اگرچه نظریه هانتینگتون در تحولات سیاسی سال ۲۰۱۱ م، و پس از آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. نظریه هانتینگتون در تحولات جهان اسلام کمتر مورد مطالعه واقع شده و از سوی دیگر نظریه مزبور به صورت ویژه و با نگاه تاریخی و ریشه‌محور در تحولات سال ۲۰۱۱ م، تونس به صورت مستقل پژوهش نشده و با بررسی آن می‌توان به نتایج جدیدی دست یافت. درباره پیشینه پژوهش نیز گفتنی است که، پس از بررسی و مطالعه منابع مختلف پیرامون موضوع به برخی منابع و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و علمی منتشر شده در این زمینه می‌توان اشاره کرد؛

امیر عظیمی دولت‌آبادی (۱۳۹۹) مقاله «تأثیر فرایند توسعه اقتصادی-اجتماعی بر وقوع انقلاب‌ها: مطالعه تطبیقی تاریخی انقلاب‌های ایران، تونس، مصر، لیبی و یمن»، هدف، سؤال و یافته‌های این مقاله ناظر بر این است که فرایند توسعه اقتصادی-اجتماعی چه تأثیری بر وقوع انقلاب‌ها دارد. گستره و سرعت توسعه اقتصادی-اجتماعی در وقوع انقلاب‌ها، این شرط علی نمی‌تواند تمایزی روشن میان کشورهایی که در آنها انقلاب رخ داده و آنهایی که رخ نداده است (در اینجا مراکش و الجزایر) ایجاد کند. چرا که در بسیاری از شاخص‌های ده‌گانه توسعه اقتصادی-اجتماعی، که در این تحقیق مورد سنجش قرار گرفته‌اند، وضعیت کشورهایی که در آنها انقلاب رخ نداده است حتی بهتر (مستعدتر برای وقوع انقلاب) از کشورهای انقلابی بوده است. لذا می‌توان گفت توسعه اقتصادی-اجتماعی و سطوح آن، پیامدهای متفاوتی در کشورهای مختلف در ارتباط با وقوع/عدم وقوع انقلاب داشته است. در نتیجه وقوع انقلاب در تونس به معنای عدم توسعه اقتصادی و شرایط بد اقتصادی نیست. نتایج این پژوهش در تحولات تونس می‌تواند با پژوهش حاضر همسویی داشته باشد. از این جهت که شکاف طبقاتی در تونس موجبات نارضایتی اقتصادی، فساد و رانت را فراهم کرده است؛ ولی این به معنای عدم توسعه در زمینه اقتصاد نیست، به علت توزیع نامناسب، سلطه حاکمیت و ریشه در نابرابری اجتماعی داشت.

محمدجواد هراتی و رضا محمدی (۱۳۹۸) مقاله «آزمون‌پذیری نظریه کرین برینتون در تحولات انقلابی مصر و تونس»، نتایج این مقاله در پی اثبات این فرضیه است که انقلاب تونس و مصر فرایند چهارگانه دولت میانه‌رو، تندروها، عصر وحشت و ترمیدور را طی نکرده و انقلاب در مصر و ترمیدور رجعت به بازگشت نداشته است. یافته‌های تحقیقی این مقاله با تحولات واقعی در کشور تونس و مصر مطابقت زیادی ندارد. انقلاب مصر پس از طی فرایندی با قدرت‌گیری عبدالفتاح السیسی به دوره مشابه حسنی مبارک بازگشته و مطابقت زیادی به نظریه ترمیدور دارد. در مصر برخورد همراه با خشونت اخوان المسلمین و وقوع کودتا توسط ارتش را می‌توان با تندروی و عصر وحشت برینتون مطابقت داد. این مقاله بیشتر به آزمون نظریه در وقوع انقلاب تونس و مصر

پرداخته و از جهت داده و اسناد و مدارک مرتبط با انقلاب در تونس و مصر نیازمند تأمل و بررسی بیشتر است.

حسین هرسیج و علی ابراهیمی (۱۳۹۷) مقاله «تله بنیانگذار و نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید: تحلیلی بر انقلاب تونس» نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نارضایتی و انتقاد عمومی نسبت به شرایط موجود و واکنش به نوعی از ظلم و ستم یا محرومیت و غیره در قالب جنبش‌های اجتماعی جدید تداعی کرد. نتایج مقاله بر این باور است که منازعات در کشورهای عربی و تونس اغلب مبارزه برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی بوده است. موضوعی که زمینه بازنگری در اقتصاد سیاسی جنبش‌های اجتماعی جدید را ضروری کرده است، مبارزه در تونس با خط‌مشی و سیاست‌های دولت برای رسیدن به خواسته‌های و مطالبات اقتصادی بوده که در قالب گفتمان فرهنگی در بین اقشار مختلف به صورت ائتلاف میان طبقات بروز کرده. در نتیجه باید مطالعه تعامل سیاست و اقتصاد برای درک بهتر جامعه مورد توجه و بررسی قرار بگیرد.

هادی آجیلی و مهدی بیگی (۱۳۹۵) مقاله «واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان المسلمین تونس (النهضة)»، نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که انقلابیون در تونس به اجرای قوانین و موازین حداقلی از اسلام اکتفا نموده‌اند. جنبش النهضة به نوعی حداقل‌گرایی معرفتی پایبند است که براساس آن، رویکردی عملگرا و التزام حداقلی به ارزش‌ها و اصول اسلامی را در پیش گرفته است. در نتیجه اخوان و انقلابیون تونس در ارزش‌ها، هنجارها و انگاره‌های هویت‌ساز خود تجدید نظر کرده‌اند. نتایج این پژوهش به‌صورتی با یافته‌های نوشتار حاضر همسویی بیشتری دارد.

حسین مسعودنیا و دیگران (۱۳۹۴) مقاله «نارضایتی اقتصادی و جنبش‌های معاصر عربی (مصر و تونس)»، نتایج این مقاله نشان می‌دهد در کنار اتخاذ سیاست‌های باز اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی هم‌زمان با توسعه و گسترش شبکه‌های ارتباطی بین‌المللی زمینه مساعدی فراهم آمد تا جوانان عرب که نوعی محرومیت نسبی را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حس می‌کردند، خشم و اعتراض خود را از طریق جنبش‌های انقلابی به نمایش بگذارند. در نتیجه توسعه اجتماعی و گسترش دانشگاه‌ها، فضای مجازی و اقتصاد لیبرالی هیچ‌گونه گشایشی در مشارکت سیاسی ایجاد نکرد و جامعه تونس دچار یک نوع از محرومیت نسبی شد.

خلیل‌الله سردارنیا و رضا عمویی (۱۳۹۵)، مقاله «بحران مشروعیت و ناکارآمدی و ناکامی اسلام‌گرایان النهضة در تونس»، نتایج به‌دست آمده از این مقاله درصدد است که نشان دهد پیامد انقلاب در تونس به سقوط اسلام‌گرایان انجامید. در تونس، انقلاب به تشکیل حکومتی ائتلافی با

حضور دو گروه میانه‌رو سکولار و اسلام‌گرایان میانه‌رو النهضه انجامید؛ اما حکومت ائتلافی در عمل به دولت شکننده مبدل شد و نتوانست به ثبات سیاسی، کارآمدی اقتصادی و خدماتی و سامان و نظم سیاسی بینجامد. در چنین بستری بود که ائتلاف فراگیر سکولارها در ذیل کنشگری و پرچم ندای تونس بر محوریت شکاف ایدئولوژیک سکولار/اسلام‌گرا شکل گرفت و مشروعیت سیاسی اسلام‌گرایان را به شدت به چالش طلبید. در تونس نیز، حکومت جدید با محوریت اسلام‌گرایان النهضه از نهادینه کردن دموکراسی و سامان سیاسی مشروع ناتوان ماند و نتوانست بحران‌های اقتصادی را رفع کند، هر دو موضوع، سبب‌ساز تضعیف مشروعیت سیاسی تأسیسی و عملکردی حکومت شد و دولت جدید، به دولت شکننده تبدیل شد؛ بنابراین، سکولارها از این فرصت استفاده کرده، با بازسازی مانده‌ی سریع و کسب مشروعیت اولیه در انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۴ پیروز شدند و در انتخابات ریاست جمهوری نیز با عدم مشارکت النهضه پیروز شدند. حسن مجیدی و محسن رحیمی نیا (۱۳۹۴) مقاله «بررسی فرایند گذار به دموکراسی در تونس» نتایج به دست آمده از این مقاله درصدد است که نشان دهد کشور تونس با طی مراحل سه‌گانه فروپاشی نظام غیردموکراتیک، پیروزی و موفقیت نظام دموکراتیک و استقرار و تثبیت نظام دموکراتیک در تونس، کشور تونس به دموکراسی گذار کرده است. نتایج این پژوهش مدعی است که تونس پس از بن علی در فرایند دموکراسی توفیق نسبی داشته است. به نظر می‌رسد اظهار نظر در این زمینه نیاز به تأمل جدی دارد و مطالعه در فرایند جنبش النهضه در تونس و نظریه‌پردازی راشد الغنوشی و اقدامات وی بسیاری از مباحث را روشن خواهد کرد.

الهه کولایی و سعیده حضرت‌پور (۱۳۹۳) مقاله «ریشه‌های داخلی و خارجی انقلاب ۲۰۱۱ م، تونس» نتایج مقاله نشان می‌دهد که برنامه‌های بلندپروازانه نخبگان و طبقه حاکم شاهد رشد طبقه متوسط بوده است. حرکت به سوی لیبرالیسم اقتصادی و نه سیاسی و مجموعه تحولات صورت گرفته در دهه اخیر در تونس به تغییرهایی مانند ارتقای سطح بهداشت، ارتقای سطح آموزش و گسترش طبقه متوسط جدید انجامید. مهم‌ترین نتیجه این مقاله که همسویی زیادی با پژوهش حاضر دارد رشد اقتصادی در تونس است. نگارندگان مقاله بر این باورند که؛ مهم‌ترین پیامد رشد و بهبود شرایط اقتصادی تونس رشد قابل توجه شاخص اقتصادی بوده است. تونس از جمله کشوری بود که شکاف میان باسواد دخترا و پسران را به طور کامل از بین برد و افزایش دانش‌آموختگان هم‌زمان با رشد و گسترش شبکه‌ها و فضای مجازی به تجهیز آنها در تغییر کمک کرد. شکاف اقتصادی، نابرابری اجتماعی و محدودیت‌های سیاسی و هم‌زمان با آن توسعه آموزش، فضای مجازی و رسانه‌ها شورش‌های خیابانی را افزایش داد.

مرتضی نورمحمدی (۱۳۹۱)، مقاله «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب تونس» نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی از طریق تسهیل و تسریع ارتباطات میان معترضان و هماهنگی میان آنها، تدوین برنامه‌ها، شکل‌دهی و جهت‌دهی به تجمعات معترضان نقش مهمی را در انقلاب تونس ایفا کردند. در واقع، نگرش مثبت جوانان تونسی نسبت به تغییر شرایط سیاسی کشور، به واسطه اطلاعاتی بود که از طریق شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آوردند. ارتباطات افراد در شبکه‌های اجتماعی بیانگر آن بود که افراد از تغییر سیاسی حمایت می‌کنند و حتی پالایش و کنترل ارتباطات مبتنی بر اینترنت توانست مردم را از ادامه اعتراض و بیداری بازدارد. در نتیجه نتایج مقاله به نارضایتی مردم تونس در اقتصاد و سیاست را به‌عنوان موضوع مبنایی دانسته و تنها شبکه مجازی در تسهیل فرایند انقلاب نقش‌آفرینی کرده است. مقاله مذکور در بعد توسعه اجتماعی در تونس با نوشتار کنونی همسویی بیشتری دارد.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه نظریه هانتینگتون با تحولات انقلابی جهان اسلام از یکسو اهمیت این موضوع آشکار شده و نشان می‌دهد که همچنان موضوع مطالعه تطبیقی نظریه هانتینگتون با انقلاب‌های جهان اسلام محل پژوهش و درخور تحقیق و پردازش است. از سوی دیگر وجه تمایز مقاله حاضر با سایر پژوهش‌های انجام‌شده در مطالعه تحلیلی انقلاب تونس براساس تئوری شکاف و نظریه انقلاب هانتینگتون است که در پژوهش‌های انجام‌شده کمتر به آن توجه شده و با این رویکرد تحلیلی نو مورد بررسی قرار نگرفته. افزون بر آن وجوه ممتاز مقاله تبیین و ارائه مصادیق و داده‌های مستند متناسب با شاخص‌های نظریه هانتینگتون است که در پژوهش‌های انجام‌شده وجود ندارد.

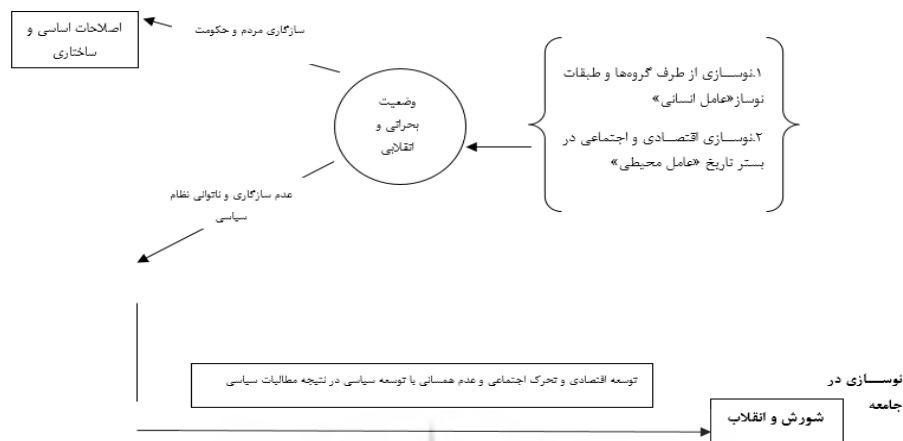
۲. چارچوب نظری

ساموئل هانتینگتون استاد دانشگاه هاروارد است. هانتینگتون انقلاب را یک دگرگونی سریع، بنیادی و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط بر یک جامعه، نهاد سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و سیاست حکومتی خوانده است (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۳۵۸). به نظر وی انقلاب در جوامع بسیار سنتی که در سطح پایینی از پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی هستند، رخ نمی‌دهد و همچنین در جوامع بسیار نوین نیز پیش نمی‌آید. انقلاب مانند صورت‌های دیگر خشونت و نااستواری، بیشتر در جوامعی رخ می‌دهد که نوعی تحول اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده باشند و فراگردهای نوسازی و تحول سیاسی آنها از فراگردهای دگرگونی اجتماعی و اقتصادی عقب‌مانده باشد (بشیریه، ۱۳۷۹، ص ۵۵). بر این اساس ابتدا به معرفی نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون

پرداخته خواهد شد. هانتینگتون در سال ۱۹۶۸م، کتاب سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی را نوشت. نظر اصلی وی در این کتاب این است که نابسامانی‌های سیاسی موجود بیش از هر چیزی از دگرگونی سریع اجتماعی و اقتصادی مایه می‌گیرند (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۱۱). هانتینگتون مدعی است که تعارض داخلی شدید در کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم حاصل این واقعیت است که نهادهای سیاسی به آرامی شکل گرفتند. حال آنکه تغییر اجتماعی-اقتصادی سریع، هم باعث وارد آمدن فشار جدید بر نهادهای سیاسی موجود و هم باعث گسترش مشارکت گروه‌های جدید و خواهان مشارکت در زندگی سیاسی شد (تیلی، ۱۳۸۵، ص ۳۵).

مهم‌ترین مسئله سیاسی کشورها و اپسماندن تحول نهادهای سیاسی از دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی است (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۱۱). به دلیل وجود استبداد در رژیم، نهادهای سیاسی رشد پیدا نمی‌کند. این وضعیت را «توسعه متضاد» نامیده‌اند (hirishman, 1984:p 106). به عبارت دیگر، با توجه به اینکه اصلاحات اقتصادی به صورت یک حرکت تند و ناگهانی انجام می‌پذیرد، موجب فشارهای شدید بر پیکره نظام سیاسی می‌گردد. برای ایجاد موازنه و تعدیل این حرکت تند، باید ساختار سیاسی نیز همگام با تحولات اقتصادی، دچار دگرگونی شود، در غیر این صورت، بحران‌های اجتماعی رخ خواهند داد که منبع تنش‌ها و بحران‌های سیاسی خواهد شد. از منظر تئوری مقاله توسعه اقتصادی و سیاسی وابسته به یکدیگرند (Huntington, 1969: p267). در واقع نوسازی اقتصادی و سیاسی بدون توجه به نوسازی سیاسی یا «توسعه سیاسی»، محتوم به شکست است. چون ناتوان از ایجاد توازن در جامعه می‌شود، در نتیجه اعتراض، شورش و انقلاب را به همراه دارد.

فرایند نوسازی در تئوری هانتینگتون: به عقیده وی نوسازی یک فراگرد چندبعدی است که به دگرگونی در همه زمینه‌های اندیشه و فعالیت انسانی نیاز دارد، که عبارتند از جنبه روان‌شناختی؛ دگرگونی بنیادی ارزش‌ها؛ جنبه جمعیت‌شناختی؛ دگرگونی در الگوهای زندگی و رشد شتابان جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی؛ جنبه اجتماعی؛ گروه‌های نخستین و دارای نقش‌های پراکنده را به سازمان‌های دارای کارکردهای تخصصی تبدیل کردن؛ جنبه اقتصادی نیز، کشاورزی معیشتی را تبدیل به کشاورزی بازار می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ص ۵۵). نظریه توسعه نامتوازن داری این مفروض است که، نوسازی در دو سطح صورت می‌گیرد؛ سطح نخست از طرف گروه‌ها و طبقات که هیئت حاکمه و نظام دست به اصلاحات اساسی می‌زند و دیگری در سطح اقتصادی و اجتماعی است که نظام سیاسی غافل از مشارکت مردم است. دوم عدم توسعه سیاسی در کنار توسعه اقتصادی است. در مجموع، توسعه نامتوازن را می‌توان در نمودار ذیل نمایش داد:



منبع: قاسمی، ۱۳۹۸، ص ۹۰

در تحلیل و تبیین نظریه توسعه نامتوازن براساس نمودار ترسیم شده گفتنی است که، در نظر هانتینگتون انقلاب پدیده‌ای نیست که در هر عصر و جامعه‌ای رخ دهد، بلکه جنبه‌ای از مدرنیسم و نوسازی به‌شمار می‌آید. انقلاب یک مقوله کلی نیست، بلکه یک پدیده تاریخی محدود است. انقلاب در یک جامعه بسیار سنتی، عقب مانده و در سطح پایین از پیچیدگی اجتماعی و اقتصادی و همچنین در جوامع بسیار نوین و پیشرفته صنعتی نیز رخ نمی‌دهد. همان گونه که در تصویر نیز نشان داده شد توسعه اجتماعی و اقتصادی در جامعه مستعد انقلابی رشد نسبی را طی کرده است. در نتیجه انقلاب بیشتر در جوامعی رخ می‌دهد که نوعی تحول اجتماعی و اقتصادی را تجربه و درک کرده باشد (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳). به نظر می‌رسد اگر شرایط لازم و کافی انقلاب در هر جامعه‌ای فراهم گردد احتمال وقوع انقلاب در آن امری مسلم است. در واقع وجود شکاف در فرایند توسعه علت انقلاب است. به این دلیل که نوسازی جامعه سبب برهم خوردن تعادل در جامعه شده و می‌تواند شرایط شورش و مطالبات را افزایش دهد. آنچه در نمودار بالا نمایش می‌دهد، به طور کلی در ارتباط با روش‌ها و طرق نوسازی دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه نخست به نوسازی از جانب گروه‌ها و طبقات نوساز عامل انسانی تأکید دارد که در آن افراد به‌عنوان گروه نوساز از طریق اصلاح یا انقلاب در صدد نوسازی جامعه هستند که در این مرحله اغلب از سوی نظام سیاسی و با رویکرد اصلاحات اساسی و ساختاری در جامعه صورت می‌پذیرد (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ص ۳۸۸). در روش هر دو نوسازی نشان داده شده در شکل ترسیمی، بسترساز تاریخی

دارای اهمیت است که محیط اقتصادی و اجتماعی تحول پیدا کرده؛ ولی توسعه سیاسی اتفاق نمی‌افتد. در این مقطع توسعه و نوسازی در متن عوامل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت می‌گیرد، در این نظریه نوسازی دارای ابعاد سه‌گانه «سیاسی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» است. نوسازی در عرصه سیاسی نیاز به مشارکت سیاسی گروه‌ها، احزاب و مردم دارد. نوسازی اجتماعی در نتیجه دگرگونی‌های نظیر سوادآموزی، آموزش، ارتباطات گسترده، و استفاده از وسایل جمعی و شهری شدن و مهاجرت اتفاق می‌افتد، که در این مرحله مردم جامعه، پذیرای الگوی جدید رفتاری شده که آنها را به سیاست می‌کشاند (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ص ۷۶). تحرک اجتماعی از منظر تئوری هانتینگتون دارای اهمیت زیادی است، همان‌گونه که در نمودار نمایش داده شد، زمینه‌ساز مطالبات جدید و در نتیجه شورش و انقلاب می‌شود.

توسعه اقتصادی به رشد و فعالیت اقتصادی کل جامعه و بازده آن برمی‌گردد. این رشد را می‌توان با درآمد سرانه ملی و سطح صنعتی شدن کشور اندازه‌گیری کرد و سطح رفاه فردی را نیز می‌توان با طول امید بقا، میزان مصرف انرژی و تعداد بیمارستان‌ها و پزشکان سنجید. توسعه اقتصادی نیز می‌بایست گنجایش یک جامعه را برای برآوردن این آرزوها بیشتر کند. اما در صورتی که ظرفیت جامعه و دولت در پذیرش و برآوردن این آرزوها یکسان نباشد، احتمال بروز یک جنبش اجتماعی محتمل می‌نماید (زیباکلام، افشاری و اصلان‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۵). با مطالعه رهیافت هانتینگتون در نظریه «توسعه نامتوازن» در تطبیق با انقلاب ایران و تونس یافته‌های جدیدی را به دست می‌دهد، و برخی از زوایای انقلاب در دو کشور را روشن می‌کند به خصوص هر دو کشور در مقطعی یکی از وضعیت (توسعه اجتماعی) در مراحل نوسازی و توسعه را تجربه کرده‌اند؛ ولی به‌تنهایی نمی‌تواند نتیجه اطمینان‌بخشی داشته باشد؛ چون نتیجه یکسانی نداشته است.

۳. روش تحقیق

روش مورد استفاد در پژوهش حاضر از نوع هدف بنیادی است. تحقیق بنیادی به کشف ماهیت تحولات، پدیده‌ها و روابط بین متغیرها، اصول، قوانین و ساخت یا مطالعه تطبیقی تئوری‌ها و نظریه‌ها می‌پردازد و به نقد نظریه و یا تحلیل ابعاد مختلف موضوع مورد بررسی می‌پردازد. اگر چه این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی و نظری به‌شمار می‌آید؛ گرچه یافته‌های تحقیق بنیادی نظری از روش‌های استدلال عقلانی و قیاسی استفاده می‌کند و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود، می‌تواند به پژوهش‌های آتی کمک کند و به‌صورت نظری و پایه‌ای مورد استفاده قرار گیرد؛ ولی نتایج حاصل از آن می‌تواند استفاده کاربردی داشته و تنها محدود به توسعه دانش و مطالعه و

سنجش نظریه نباشد. افزون بر آن ماهیت و نوع تحقیقات بنیادی به جهت ارائه ریشه و مبانی تحولات و پدیده‌ها راهگشای سایر مطالعات و بررسی‌ها قرار می‌گیرد. در نتیجه نتایج حاصل از این پژوهش نیز می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقیقات بعدی نیز باشد. تحقیق بنیادی با استفاده از روش کیفی انجام شده است. روش مزبور با استفاده از تکنیک توصیف و تحلیل و با ابزار فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد، مدارک، منابع و سایت‌های معتبر علمی انجام گرفته است.

۴. تبیین نظریه انقلاب هانتینگتون در تحولات سیاسی تونس

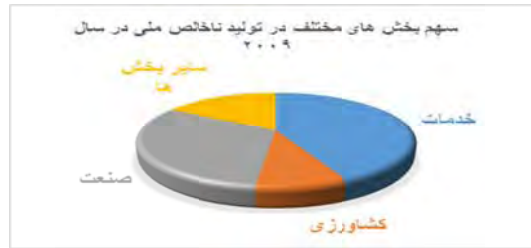
از سال ۱۹۵۶ م، که تونس استقلال خود را از فرانسه به دست آورد، تا ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، حزب «گردهمایی قانونی» که نقش اصلی را در استقلال تونس بازی کرد، حکومت را در دست داشت. حبیب بورقیبه که تا سال ۱۹۸۷ م، رهبر این حزب بود، در این سال با کودتای بدون خون‌ریزی نخست‌وزیر خود، زین‌العابدین بن علی، سرنگون شد (الحناشی، ۲۰۱۱، ص ۲۹). بعد از بورقیبه، بن علی توجه ویژه به سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی وی داشته و ادامه داد. هدف اصلی وی ایجاد دولت رفاه بود (عبدالسلام، ۲۰۱۱، ص ۲). قبل انقلاب تونس چهار انتخابات پارلمانی ۱۹۸۹، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴، برگزار شد و با دخالت دولت بوده و مجموع احزاب اپوزیسیون در بهترین حالت توانستند در انتخابات ۲۰۰۴، ۳۷ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهند (لیبض، ۲۰۱۰، ص ۱۹-۲۰). که شرایط سیاسی بدی در تونس قبل انقلاب حاکم بوده است. نوع حکمرانی بن علی مبتنی بر «خصوصی سازی دولت» و «تسلط و سرکوب در تونس اغلب در قالب این نوع خاص حکمرانی بسیج می‌شود» (Hibou, 2006: 200). بوده که این وضعیت با نظریه توسعه متوازن همخوانی دارد.

تحولات انقلابی و مردمی ۲۰۱۱ م، تونس که رژیم مستحکم و مسلح به نیروهای امنیتی و نظامی نیرومندی چون رژیم زین‌العابدین بن علی را به زیر کشید، از عدم مقبولیت گسترده رژیم حاکم و در نتیجه، فقدان کامل مشروعیت آن حکایت داشت (Brooks, 2013: p205). قیام تونس‌ها، نشان‌دهنده به حداقل رسیدن مشروعیت نظام حاکم بود که آزادی‌های سیاسی و مدنی را با شعار دولت رفاه مصادره کرد و در نهایت هیچ‌یک از این دو را محقق نساخت (احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۳۶). در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ م، جوانی به نام محمد بوعزیزی در شهر دورافتاده سیدی بوزید، در ملا عام خودسوزی کرد. خودسوزی وی جرقه‌ای بود که آتش به بنیان دیکتاتوری بن علی زد. از همان روز، تظاهرات اعتراض‌آمیز آغاز شد و به تدریج به سایر شهرها و در نهایت به پایتخت رسید (Abou Jahiah, 2011, p2). در انتقال موج اعتراضات از شهرهای حاشیه‌ای به شهرهای

مرکزی و در نهایت پایتخت تونس، شعارهای سیاسی به تدریج جای شعارهای اقتصادی را گرفت و سقف مطالبات از اصلاحات اقتصادی به دگرگونی کامل رژیم حاکم بالا رفت. با عدم موفقیت ارتش در سرکوبی، بن علی در سخنرانی خطاب به مردم تونس تلاش کرد با دادن وعده‌هایی خشم ملت را فرو بنشانند، در واقع اصلاحات از طرف هیئت حاکمه در شرایط بحرانی و انقلاب است که در تونس نتیجه نداد. اصلاحات از بالا در تونس حاوی این وعده بود که، قول ایجاد ۳۰۰ هزار شغل جدید، آزادی بازداشت‌شدگان هفته‌های اخیر، عدم نامزدی برای دوره‌های بعدی ریاست جمهوری و بازخواست مسئولان مفساد اقتصادی را داد و دستور توقف شلیک به تظاهرات‌کنندگان را صادر کرد (احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۳۵-۳۸). علت نتیجه‌بخش نبودن اصلاحات از بالا که هرچند در این مقطع نیز ماهیت آمرانه داشت، ریشه در عمق اعتراضات و نارضایتی انقلابی داشت. در نتیجه، در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، اعتراضات با شدت بیشتری ادامه یافت و بن علی مجبور شد پس از ۲۳ سال حکمرانی، از تونس به مقصد عربستان برود. جهت آشکارسازی ماهیت تحولات ۲۰۱۱ م، تونس براساس تئوری توسعه نامتوازن مورد تحلیل قرار گرفته که در ذیل وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تونس برهه انقلاب اشاره می‌شود.

۴-۱. وضعیت اقتصادی تونس در برهه انقلاب

عامل اقتصادی نقش آغازگر اعتراضات مردمی را بازی کرد و با گسترش اعتراضات، مخالفت با دیکتاتوری و مطرح شدن مطالبات سیاسی، عامل سیاسی نیز در صحنه حاضر شد. گفتنی است که، نفت جایگاه چندانی در درآمد کشور تونس ندارد. در عوض کشاورزی، توریسم، صنعت و مواد معدنی جایگزین آن هستند. تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۲۰۱۱ م، برابر بوده است با ۱۰۲/۳ میلیارد دلار که آن را در رتبه ۷۱ جهان قرار داده است. کشاورزی ۱۰/۶، صنعت ۳۴/۶ و خدمات ۵۴/۸ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۲۰۱۰ م، را به خود اختصاص داده‌اند. نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۰ م، ۱۳ و در سال ۲۰۱۱ م، ۱۸ درصد برآورد شده است و این کشور را در جایگاه ۱۵۸ جهان قرار داده است. ۸/۳ درصد از جمعیت این کشور در سال ۲۰۰۵ م، زیر خط فقر زندگی کرده‌اند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳). هرچند که برخی از نویسندگان تونس را در زمره کشورهای رانتیر عرب در نظر گرفته‌اند (Luciani, 1990: 97)، اما این کشور از موهبت زیرزمینی خاصی برخوردار نیست تا رانتیر نامیده شود و لذا می‌توان آن را غیر رانتیر نامیده و براساس آمار موجود، تونس برهه انقلاب در وضعیت مطلوب اقتصادی قرار داشته است. تصویر زیر عدم وابستگی اقتصاد تونس به رانت را نشان می‌دهد.



منبع: مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۹

تحولات تونس نشان داد، مسئله صرفاً اقتصادی نیست. مؤسسه کارنگی^۱ بیان می‌کند: «این دگرگونی‌ها هرچند با محرکه اقتصادی آغاز شد، عوامل متعددی را پشت سر داشت و نمی‌توان آن را صرفاً به جنبه اقتصادی محدود کرد. مسئله اصلی که پیش‌زمینه اعتراضات تونس را تشکیل داد، حکمرانی ناکارآمد و فساد گسترده است. بر این اساس، انقلاب تونس حاصل شکاف اقتصادی و سیاسی بوده که مردم توفیق در مشارکت سیاسی را نداشته‌اند. با عدم مشارکت گروه‌ها و به‌خصوص طبقه متوسط جدید در حکومت، امید اصلاح و جود نداشت. این مسائل زمینه انقلاب را فراهم کرد.

۲-۴. وضعیت اجتماعی تونس برهه انقلاب

توجه گسترده نظام بن علی به آموزش و تخصیص بودجه‌های آموزشی بالا، درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تونس در مقایسه با کشورهای منطقه، بسیار قابل توجه است و این کشور واجد یکی از با سوادترین جمعیت‌های جوان منطقه است. برای نمونه، نسبت کلی پیوستن به آموزش دانشگاهی در سال ۲۰۰۷ م، به بیش از ۳۰ درصد رسید (احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۳۹). در همان سال، بودجه آموزشی تونس ۲۰/۸ درصد کل بودجه کشور را تشکیل می‌داد. با این حال، رشد سطح سواد تونس‌ها هیچ تناسبی با بازار کار و نیازمندی‌های انسانی اقتصاد این کشور ندارد. طبق گزارش ۲۰۰۹ م، برنامه توسعه انسانی ملل متحد، در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ م، میزان بیکاری در تونس ۲۷ درصد بود که از این تعداد، حدود ۶۵ درصد را جوانان تشکیل می‌دادند. طبق این گزارش، متوسط میزان بیکاری از ۱۳/۶ درصد در دهه ۱۹۸۰ م، به ۱۵/۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ م، و سپس به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ م، افزایش یافته است (Arab Human, 2009, p109).

۱. مؤسسه غیرانتفاعی خصوصی آمریکایی است که اندرو کارنگی میلیونر آمریکایی در سال ۱۹۱۰ م، برای «گسترش همکاری بین‌المللی و درگیری فعال آمریکا در امور بین‌المللی» تأسیس کرد.

در اثر نوسازی اجتماعی در تونس نقش رسانه‌ها به حدی در این دگرگونی‌ها پررنگ بود که برخی جنبش مردمی تونس را «انقلاب فیس‌بوک» نامیدند (الورفلی، ۲۰۱۱، ص ۱). علاوه بر فیس‌بوک، سایت تویتر و شبکه خبری الجزیره در خبررسانی و سازماندهی اعتراضات نقشی اساسی داشته‌اند. در کنار این رسانه‌ها، گفته شده است؛ انتشار اسناد مربوط به تونس از سوی سایت ویکی لیکس، که فساد گسترده نخبگان حاکم بر این کشور را نشان می‌داد، تأثیری قابل توجه بر تحركات مردمی داشت (Kaplan, 2011: p2). اما به نظر نمی‌رسد ملت تونس بی‌اطلاع از سطح فساد حاکمان خود بوده‌اند و تنها پس از انتشار اسناد پایگاه ویکی لیکس دست به اعتراض زده باشند (احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۳۸). یک نظام سیاسی برای آنکه از عهده نوسازی برآید، نخست باید سیاستی ابداع کند تا بر پایه آن، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را پیش ببرد. دوم، توان آن را داشته باشد که نیروهای اجتماعی مولود نوسازی را به شایستگی به درون نظام جذب کند و آگاهی اجتماعی نوینی را به‌عنوان پیامد نوسازی به‌بار آورد.

۴-۳. وضعیت سیاسی تونس در برهه انقلاب

نظام تونس از سال ۲۰۰۱ م، بسته‌تر شد و آزادی‌های مدنی و سیاسی به‌خصوص از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، و اعلام حمایت تونس از جنگ علیه تروریسم، بهانه‌ای برای سرکوب مخالفان داخلی داد، به‌طورکامل قربانی شد. در چنین شرایطی، رسانه‌های مستقل، روزنامه‌نگاران و بلاگ‌نویسانی که انتقاداتی متوجه دولت می‌کردند، سرکوب، شکنجه و از کار اخراج و با ممنوعیت خروج از کشور مواجه شدند. درباره بحران سیاسی در تونس گفتنی است که، سیاست سرکوب حکومت بن علی تاکنون با پیشگیری از شکل‌گیری از شکل‌گیری بسیج فراگروهی میان بخش‌های مختلف جامعه، کامیاب بوده است. چنین تحولی می‌تواند، همچون اواخر دوره بورقیه، به بی‌ثباتی نظام سیاسی بینجامد و به هم ریختگی را به همراه داشته باشد (Gobe, 2010: p344). وضعیت سیاسی تونس حتی در دوره اصلاحات، شاهد مشارکت سیاسی واقعی نبوده و انتخابات و سایر ابزارهای مشارکتی تنها جنبه تشریفاتی داشت. انقلابیون و اسلام‌گرایان تونس به خصوص «النهضه» نگرش باز سیاسی داشتند و نسبت به دموکراسی با قوانین بشری با موازین اسلامی و شریعت باور داشتند (Vidino, 2011: p7؛ غنوشی، ۱۳۶۹، ص ۱). برخی تحلیل‌گران همراهی انقلابیون و اسلام‌گرایان با گروه‌های افراطی را از رویکرد دموکراسی آنها می‌دانند. که البته سبب رشد تکفیر و تروریسم شده است نه دموکراسی، تنها انقلابیون درصدد حفظ قدرت سیاسی با اصلاح مواضع سیاسی جامعه تونس بودند (filiu, 2011: p62). انقلابیون در تونس بیشتر به‌دنبال توسعه سیاسی بودند. و این

توسعه سیاسی مدنظر النهضه و انقلابیون با توسعه نامتوازن همخوانی بیشتری دارد. در این زمینه باید اضافه کرد که اسلام مورد نظر انقلابیون تونس مشابه الگوی ترکیه بوده است (غنوشی، ۱۳۸۹، ص ۷) برخی نویسندگان در ارزیابی مقاله خود نیز رویکرد انقلابیون به حکومت در تونس را چنین ترسیم کرده‌اند (آجیلی و بیگی، ۱۳۹۵، ص ۱۴).



منبع: آجیلی و بیگی، ۱۳۹۵، ص ۱۴

احزاب قانونی تونس احزاب ضعیف و ناکارآمدی بودند که قدرت رقابت در فضای پلیسی تونس را نداشتند. پارلمان تونس نهادی فرمایشی بود. چهار انتخابات پارلمانی ۱۹۸۹، ۱۹۹۴، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴م، حزب گردهمایی قانونی بیش از ۸۰ درصد آرا را به خود اختصاص داد. مجموع احزاب اپوزیسیون، در بهترین حالت توانستند در انتخابات ۲۰۰۴م، ۳۷ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهند، در حالی که حزب «گردهمایی قانونی» در این انتخابات ۱۵۲ کرسی را از آن خود کرد. به سخن باسم بوننی، روزنامه‌نگار تونس: «اگر تاریخ تنها یک چیز از حکومت طولانی مدت بن علی به خاطر بسپارد، احتمالاً چگونگی ساکت کردن منتقدان از سوی وی خواهد بود» (احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۴۲).

هرچند احساسات عمیق اسلامی در تونس دیده می‌شود؛ ولی جامعه تونس سکولار است (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۸). به عبارت دیگر، مردم این کشور اسلام را به عنوان یک مقوله فرهنگی مورد استقبال قرار داده‌اند. در تونس انتخابات به همه‌پرسی مبدل شده بود و هیچ فرصتی برای گروه‌های دیگر فراهم نبود (العلوی، ۱۳۹۰، ص ۹۷). از دیگر عوامل سقوط رژیم بن علی، تناقضات نهفته درون این رژیم بود که از در هم آمیختن مبانی نظام اقتدارگرا با ظواهر رویه‌های دموکراتیک برای کسب مشروعیت مبتنی بر رأی مردم ناشی می‌شد (نیاکویی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵-۲۶۲). در حقیقت جامعه تونس در برهه انقلاب، بیشترین رنج را از فقدان توسعه سیاسی در کشور می‌برد.

جدول شماره ۱: توزیع شاخص رتبه‌بندی وضعیت تونس در برهه انقلاب

ردیف	شاخص	نمره	رتبه	در آفریقا	در خاورمیانه	در جهان
۱	آزادی مطبوعات	۷۲/۵	۱۶۴	*	-	-
۲	فساد سیاسی	۴/۳	۵۹	*	-	-
۳	ذخایر اثبات‌شده	۰/۶	۰/۱	*	*	-
۴	تولید ناخالص ملی	GDP8000	۹۹	-	-	*
۵	فقر	۳/۸	۱۵۶	-	-	*
۶	بیکاری	۱۵/۷	۳۱	-	-	*
۷	تورم	۳/۴	۷۴	-	-	*

منبع: گزارشگران بدون مرز، ۲۰۱۱

آنچه در جدول شماره ۱ آمده برای تحلیل وضعیت انقلاب تونس براساس نظریه توسعه نامتوازن است که آمارهای ذکرشده در بالا، وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تونس را روشن می‌کند. آنچه در جدول به صورت علامت ستاره مشخص شده وضعیت بحران در آن حوزه است. هرچه نمره بالاتر باشد، وضعیت آزادی مطبوعات در آن کشور بدتر و نامناسب است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تونس در وضعیتی نامناسب به سر می‌برد. به گزارش سال ۲۰۱۰ م، گزارشگران بدون مرز، وضعیت تونس در حوزه آزادی مطبوعات با فضای پلیسی و امنیتی مواجه بوده است. فساد سیاسی و اداری تونس در برهه انقلابی بغرنج بوده است، منظور از فساد عبارت است از فساد سیاسی و اداری که مواردی همچون رشوه و میزان نفوذ صاحبان منافع سیاسی و اقتصادی را در امور اداری و نهادی دربر می‌گیرد (ربیعی، ۱۳۹۷، ص ۶-۱۴).

آنچه در نمودار ذخایر اثبات‌شده تونس نشان داده شد، بیانگر این است که، درصد ذخایر اثبات‌شده هر کشور نسبت به ذخایر اثبات‌شده در خاورمیانه محاسبه شده است. همچنین براساس گزارش سال ۲۰۰۵ م، شرکت بی.پی سهم ذخایر اثبات‌شده خاورمیانه به نسبت جهان برابر است با ۶۱/۷ درصد که پر انرژی‌ترین منطقه نفتی جهان است و این میزان در سال ۲۰۱۰ م، برابر بوده است با ۵۴/۴ درصد (British Petroleum, 2011: p7). اما نکته آنجاست که در میان کشورهایی که در جریان تحولات اخیر خاورمیانه قرار گرفته‌اند، تنها لیبی از سهم قابل توجهی از ذخایر اثبات‌شده در منطقه خاورمیانه برخوردار است؛ اما وضعیت کلی اقتصاد هر یک از کشورهای دچار تحول‌شده، به چه صورت است. آنها که نارضایتی اقتصادی را دلیل اصلی اعتراضات اخیر می‌دانند، برای اثبات دیدگاه خود به شاخص‌های مختلف اقتصادی کشورهای رجوع می‌کنند که در جریان تحولات اخیر، بیشترین تأثیر را پذیرا شده‌اند. در ادامه برای رد دیدگاه اقتصادبنیان در نمونه شمال آفریقا، وضعیت اقتصادی سایر کشورهای تحت تحول واقع‌شده، توصیف می‌شود تا با نمونه شمال آفریقا مقایسه شوند (خلاصه مقالات، ۱۳۸۸، ص ۵۱).

در جدول بالا، هرچه از بالا به پائین نزدیک می‌شویم، نرخ فقر کمتر می‌شود. بنابراین بدترین کشورها به لحاظ نرخ فقر در بالای جدول جای دارند. در مورد نرخ فقر، استاندارد مشخصی وجود ندارد، چرا که نرخ فقر در کشورهای ثروتمند متفاوت است. با این نرخ در کشورهای فقیر است که در جدول مقایسه جهانی، تونس در رتبه ۱۵۶ قرار دارد. با این حال، معمولاً سازمان‌های بین‌المللی مسئول در زمینه این آمار، به‌ویژه یونیسف، برای مقایسه ظاهری، نیازمند آن هستند که مقداری مشخص را تعیین کنند و از یک استاندارد بهره ببرند. با این حال، این مقدار در طول سال‌های متوالی، متفاوت است. به‌عنوان مثال، در حالی که خط فقر در گزارش‌های قبلی سازمان یونیسف درآمد کمتر از ۱ دلار را شامل می‌شد، در گزارش سال ۲۰۱۲م، این سازمان، هر کس که کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز درآمد کسب کند، زیر خط فقر قرار می‌گیرد. در جدول بالا نیز خط فقر درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز است. از طرف دیگر، آمار فقر در برخی کشورها همچون تونس، با توجه به شاخص‌های دیگر اقتصادی این کشور، محل بحث است؛ زیرا برخی از محققان علت انقلاب تونس را اقتصادی و فقر می‌دانند (الشقیفی، ۱۳۹۸، ص ۸۷). بیکاری در تونس که در ردیف شش قرار دارد در جهان رتبه بالایی را به خود اختصاص داده که پیامد نوسازی اجتماعی است. در میان کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا در صدد استقرار ساختارهای اجتماعی و اقتصادی با تسلط امنیتی مطلوب خود در تونس بوده و با این رویکرد در صدد تخریب ارزش‌ها و زیرساخت‌های سیاسی در این کشور شد (هاس، ۲۰۰۶، ص ۲۰۳ و تالشان و نصر دهبیری، ۱۳۹۳، ص ۷۵۹).

برخی تحلیلگران تونسی بر این باورند که، تحولات تونس نقشه آگاهی عربی را بازسازی خواهد کرد، به این معنی که رویکرد سیاسی را دنبال خواهند کرد (لطیفی، ۲۰۱۱، ص ۲). به این دلیل که سرکوب مخالف، ندادن آزادی و مشارکت سیاسی و کنترل رسانه همراه با خشونت از خصیصه حاکمیت وی نامبرده شده است. نشانگر توجه به نوسازی سیاسی است که در تونس وجود نداشته است. در نتیجه، اسلام‌گرایان در به دنبال توسعه سیاسی بوده‌اند این مسئله به معنای بازتولید اقتدارگرایی در چارچوبی دینی نخواهد بود. مشاهده عملکرد اسلام‌گرایان در تونس نشان می‌دهد انقلابیون تونس بیشتر به دنبال دموکراسی‌سازی شبیه غرب هستند به‌رغم تمام محدودیت‌ها، در تلاش بوده‌اند وارد فعالیت رسمی و قانونی سیاسی شوند (أبوللوز، ۲۰۰۹، ص ۱۳۸). آنچه دولت جدید انقلابی در اولین جلسه خود برای تمام جنبش‌ها و احزاب سیاسی منع شده در دوره بن علی را مورد توجه قرار داد، عفو عمومی صادر کرد و در روزهای ۱۸ و ۱۹ ژانویه تمام زندانیان سیاسی را که حدود ۱۸۰۰ تن بودند، آزاد ساخت (نسیره، ۲۰۱۱، ص ۳).

۴-۴. تحلیل تبیین‌پذیری نظریه هانتینگتون در انقلاب تونس: دگرگونی‌های تونس نشان می‌دهد که رفاه و معیشت بدون گسترش آزادی‌های سیاسی، نمی‌تواند در بلندمدت ضامن بقای رژیم‌ها باشد. رژیم تونس یکی از نمونه‌های منطقه‌ای موفق آزادسازی اقتصادی را ارائه می‌دهد، در برهه انقلاب، رشد اقتصادی تونس در بالاترین میانگین رشد جهانی و رشد سالانه بیش از پنج درصد بوده (تلاشان و نصر دهنزیری، ۱۳۹۳، ص ۷۵۶)، تنها مشکل اقتصادی، شکاف، بی‌عدالتی، فساد و استفاده از رانت اقتصادی از سوی خاندان و وابستگان به بن علی بود. در حقیقت رژیم تونس به دلیل عدم پیشبرد آزادسازی سیاسی دچار بحران شد. توسعه نامتوازن اقتصادی ضرورتاً مستلزم اصلاحات سیاسی بوده به علت دیرپه‌نگام بودن یا عدم نتیجه‌بخشی آن، انقلاب را در پی داشت. علت اقتصادی در انقلاب تونس به معنای توسعه سیاسی نبوده؛ بلکه به دلیل توزیع نامتوازن و ایجاد شکاف و نابرابری در جامعه تونس بوده است.

در مطالعه و آزمون‌پذیری نظریه توسعه نامتوازن این نکته نیز مهم است که با شروع وضعیت بحرانی و ناسازگاری اصلاحات از سوی هیئت حاکمه و نظام صورت می‌گیرد. این‌گونه اصلاحات را اصلاحات از بالا می‌نامند که همواره کارآمد نیست. نوسازی و اصلاحات در تونس، اصلاحات از بالا بود که نشان داد «اصلاحات بالا به پایین به دگرگونی پایین به بالا می‌انجامد». این نکته در مقابل استدلال بسیاری از رژیم‌های خاورمیانه و روشنفکران وابسته این کشورها قرار می‌گیرد که با اشاره به سقوط بن علی در تونس، پیشبرد اصلاحات را به‌عنوان عاملی اصلی در وقوع این دگرگونی‌ها مطرح است. این‌گونه رژیم‌ها با تکیه بر این استدلال، در مقابل فشارهای داخلی و خارجی برای پیشبرد اصلاحات ایستادگی می‌کنند.

در حقیقت نتیجه نوسازی اجتماعی و اقتصادی در تونس فرجام خوبی نداشت، این دگرگونی‌ها نشان داد که عدم پیشبرد اصلاحات حتی اصلاحات آمرانه در نهایت به سقوط و دگرگونی گسترده می‌انجامد. به سخن دیگر، نگرانی واقعی رژیم بن علی در تونس از آزادی سیاسی بود که، بن علی، اغلب در برابر فشارهای وارده برای پیشبرد اصلاحات سیاسی و گشودن فضای سیاسی، این استدلال را مطرح می‌ساخت که اصلاحات سیاسی شتابان و گسترده به روی کار آمدن اسلام‌گرایان افراطی می‌انجامد. با وجود بحران مشارکت سیاسی در تونس، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی که نوعی از اقتصاد لیبرالی و اقتصاد وابسته بود؛ این نوع توسعه اجتماعی و اقتصادی نتیجه‌ای جز سرنگونی رژیم بن علی را به همراه نداشت. با توجه به دموکراسی‌خواهی مردم فریب‌خورده، محدودیت‌های شدید سیاسی موجود در تونس و خواست مشارکت سیاسی از سوی مردم منشأ اصلی انقلاب بود. در طی یک دهه گذشته تمام توجه مردم تونس به گسترش آزادی سیاسی، رفع

نابرابری بود که البته براساس شواهد و مستندات ارائه شده کشور تونس، در این زمینه توسعه اجتماعی، آموزش، شبکه‌های مجازی پیشرفت‌هایی داشتند اما اقتصاد مردم تونس در اثر رانت و شکاف طبقاتی به شدت ضعیف شده و دولتمردان در این زمینه به شدت به غرب وابسته بودند. جدول زیر شاخصه و میزان انطباق تئوری هانتینگتون در انقلاب ایران و تونس را نشان می‌دهد.

جدول سنجش تئوری انقلاب هانتینگتون در انقلاب تونس

شاخصه تئوری	تونس ۲۰۱۱
توسعه‌یافتگی اقتصادی	انطباق دارد
توسعه‌یافتگی اجتماعی	انطباق دارد
عدم توسعه‌یافتگی سیاسی	انطباق دارد
میزان تبیین‌پذیری	قابلیت تبیین دارد

منبع: نگارنده

با بررسی تحولات ۲۰۱۱ م، تونس در نظریه انقلاب هانتینگتون، شاخص‌های موجود در نظریه مطابقت زیادی با تحولات انقلابی در تونس دارد؛ ولی با بررسی تحولات تاریخ سیاسی و نگاه تاریخی به ریشه تحولات و تحلیل نو، نتایج تحقیق از دو جنبه دارای اهمیت و بررسی است؛ از یک جنبه نقش باورهای دینی و اسلامی مردم تونس در تحولات و دیگری ضعف نظریه هانتینگتون در تحلیل تحولات جهان اسلام است. نظریه‌های غربی انقلاب به دلیل ماهیت فکری و جهان زیسته مؤلف تئوری، توانایی کامل تحلیل رخداد‌های انقلابی جهان اسلام را نداشته و یا با خلأ شناخت عمیق از جوامع اسلامی مواجه هستند.

شایان ذکر است؛ آنچه در درخواست‌های انقلابیون و مطالبات مردم تونس وجود داشت، داشتن آزادی انجام شعائر دینی و مذهبی بود. بن علی در طول سال‌های حکومت خود تلاش کرد جلوی رشد اسلام را در این کشور بگیرد و بر همین اساس، بیانیه ۱۰۸ را که داشتن حجاب را در داخل سازمان‌های دولتی ممنوع می‌کرد. از نشانه‌های باورهای دینی و هنجارهای اسلامی در تحولات انقلابی حضور انقلابیون در مساجد، همراه داشتن قرآن در حین تظاهرات، باور به راه‌حل اسلامی در انقلاب تونس، شعار «الله اکبر»، روی آوردن به حجاب اسلامی و اجرای قوانین اسلامی و مبارزه با قوانین موجود در رژیم بن علی بود. در دانشگاه‌های تونس نیز پیش از وقوع انقلاب براساس دستور وزارت آموزش این کشور موظف بودند تا از دختران تعهد بگیرند که در دانشگاه از پوشش اسلامی استفاده نکنند (نوکانی، ۱۳۹۹، ص ۱). این تعهدنامه همچنین دانشجویان را از پوشیدن هرگونه لباس محلی منع می‌کرد. و هر کس که با این تعهدات مخالفت

می‌کرد از تحصیل محروم می‌شد و در صورت ضرورت به دستگاه قضایی معرفی می‌گردید. در دوران بن علی جوانان حق حضور در مساجد را نداشتند و شرکت مردم در نماز جمعه پس از اخذ مجوز از ادارات دولتی بود. در راستای مبارزه با برنامه‌های بن علی و اجرای موازین اسلامی دختران محجبه در دانشگاه حضور پیدا کرده و همچنین مردم در نماز جمعه نیز مشارکت می‌کردند. براساس آنچه توصیف شد، جمع شدن هسته اولیه انقلابیون اسلامی در مساجد تونس و تحت عنوان گروه النهضه، معترضان رفته‌رفته به چنان قدرتی دست یافته بودند که حادثه‌ای چون خودسوزی محمد بوعزیزی منجر به بیرون آمدن این پتانسیل عظیم مردمی از دل مساجد و جلسات قرآنی حافظان قرآن کریم شد (مجله فارس پلاس، ۱۳۹۰، ص ۱). در نتیجه در انقلاب تونس باورهای دینی و هنجارهای اسلامی و فرهنگ محلی نقش برجسته در گرد هم آمدن انقلابیون، بسیج مردمی و مبارزه با رژیم بن علی را ایفا کرد؛ ولی پس از پیروزی جنبش النهضه به‌عنوان رهبر انقلابیون و اسلامگرایان با چالش‌های اساسی مواجه شد.

نتیجه‌گیری

نظریه انقلاب هانتینگتون از جمله نظریه‌های انقلاب است که موضوع شکاف را در جامعه در حال رشد و گذار بررسی می‌کند و آن جوامع را مستعد انقلاب می‌داند. علت اصلی انقلاب از نظر هانتینگتون عدم توسعه سیاسی و بحران مشارکت سیاسی در جوامعی است که دوره توسعه اجتماعی را سپری کرده و توسعه اقتصادی نیز شروع شده؛ ولی ساختار حاکمیت و عملکرد دولتمردان توانایی جذب و مشارکت مردم در جامعه را فراهم نکرده است. وضعیت تونس به لحاظ شرایط اجتماعی با توجه به توصیف شرایط اجتماعی و آغاز رشد اقتصاد وابسته و لیبرال در تونس بیانگر این است که تونس در توسعه اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با توسعه سیاسی فاصله و شکاف فاحشی را تجربه کرده است. وجود شکاف در تونس، کشور را برای شورش‌های خیابانی و انقلاب فراهم کرد. بنابراین پرسش پژوهش که نظریه انقلاب هانتینگتون توانایی تبیین انقلاب تونس را داراست. براساس بررسی‌های انجام‌شده و وجود مستندات و شواهد معتبر نظریه مزبور به میزان بالایی با انقلاب تونس و تحولات سال ۲۰۱۱ م، و ریشه‌های موجود در کشور تونس مطابقت دارد. گفتنی است که، موضوع اسلام‌گرایی در شعار و درخواست‌های انقلابیون تونس وجود داشته و اسلام در فرهنگ و جامعه تونس به لحاظ تاریخی ریشه دارد؛ باورهای دینی مردم تونس در اعتراضات و شکل‌گیری جنبش و تحولات انقلابی نقش داشت؛ ولی پس از سقوط نظام بن علی در مسیر

انقلاب انحراف ایجاد شده و رهبران جنبش اسلامی به اسلام حداقلی اکتفا کردند. با تکیه بر شواهد و مستندات ارائه شده در ادبیات پژوهش، انقلابیون تونس به اجرای قوانین و موازین حداقلی از اسلام قانع بوده و جنبش النهضه نیز به نوعی حداقل‌گرایی معرفتی از اسلام پایبند بوده و رویکرد عملگرایی را پیشه خود ساخته بود. در نتیجه اسلام‌گرایان میانه‌رو نیز در نهادینه کردن نوعی از دموکراسی که مبتنی بر اسلام و شریعت دینی باشد عاجز بوده و با چالش اساسی در این مسیر مواجه شدند.

براساس مطالعه و بررسی انجام شده و شاخص‌های موجود در متن پژوهش، شرایط جامعه و تحولات در تونس با نظریه انقلاب هانتینگتون مطابقت داشته و اصلاحات از بالا و ماهیت آمرانه داشت. اگرچه کشور تونس به لحاظ اقتصادی رانتیر نبود، عدم وابستگی کشور تونس به موهبت خدادادی و توسعه صنعت و درآمدهای ناشی از خدمات که بخش زیادی از درآمدهای اقتصادی تونس را شامل می‌شد در جهت رفاه مردم و در جذب و به‌کارگیری جوانان قرار نگرفته و شکاف اقتصادی نیز همچنان در تونس وجود داشت. شایان ذکر است کشور تونس نوسازی اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی را از زمان استقلال سپری کرده و فرایند تاریخی خود را پشت‌سر گذاشته و متکی به رانت/رانتیر نبوده و صنعت، توریسم در این کشور رونق داشته و به تبع آن توسعه اجتماعی نیز صورت گرفته و در نهایت درک بیشتری از شکاف سیاسی و عدم توسعه‌نیافتگی داشته‌اند. رژیم حاکم بر تونس در دو دوره بوریقیه و بن علی تا حدودی توانست در زمینه‌های آموزشی و اقتصادی دست به نوسازی بزند، اما نتوانست نیروهای اجتماعی مولود این دگرگونی‌ها و نوسازی‌ها را جذب و آگاهی اجتماعی نوین متناسب با این تحولات به وجود آورد. محدودیت‌های سیاسی و عدم پیشبرد اصلاحات سیاسی از سوی رژیم بن علی، موجب نوعی شکاف بین رژیم حاکم و این طبقات و نیروهای نوین شد.

سیاست‌های اقتصادی تونس به شکاف و نابرابری اقتصادی و اجتماعی در سراسر کشور و میان طبقات و مناطق مختلف سرایت کرده و بیکاری جوانان در تونس مشکل بزرگی در مسیر نوسازی اجتماعی دولت بود. ناتوانی بن علی در جذب جوانان و مشارکت دادن به گروه‌های جدید در مانده بود، با وجود شرایط و انگیزه بالایی برای شورش و قیام انقلابی از سوی جوانان و از سوی دیگر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در نتیجه توسعه اجتماعی و آموزشی نیز بر آن افزوده شد. در نتیجه توسعه اجتماعی و آموزشی و همچنین توسعه شبکه‌های اجتماعی مجازی در وضعیت جوانان و مردم تونس از لحاظ اقتصادی و سیاسی بهبودی ایجاد نکرده و در معیشت مردم عادی که سالیان طولانی شکاف اجتماعی حاکم بود تأثیر مثبت نداشت. در اثر توسعه آموزش و گسترش فضای

مجازی درک مردم و جوانان از شکاف موجود بیشتر شده و در نتیجه آگاهی از تبعیض، فساد، رانت و وابستگی قیام انقلابی توسعه یافت.



منابع

۱. آجیلی، هادی و مهدی بیگی (بهار ۱۳۹۵)، «واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان المسلمین تونس (النهضة)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۶، ش ۱، ص ۱-۲۸.
۲. ابراهیمی، سیده فهیمه (بهمن ۱۳۸۹)، «جریان‌شناسی اسلام‌گرایی تونس»، مجله زمانه، دوره جدید، ش ۹۶، ص ۲۸.
۳. أبو اللوز، عبدالحکیم (ربیع ۲۰۰۹)، «علاقة الحركات الإسلامية مع الأنظمة السياسية، الحالة التونسية، ۱۹۸۱-۱۹۹۱»، المجلة العربية للعلوم السياسية، العدد ۲۲، ص ۱۳۹.
۴. احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «تحولات اخیر تونس و پیامدهای منطقه‌ای آن»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴۴، ص ۳۵-۶۴.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
۶. تلاشان، حسن و الماس سفردهزیری (زمستان ۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس»، سیاست دانشگاه تهران، دوره ۴۴، ش ۴، ص ۷۴۳-۷۶۲.
۷. تیلی، چارلز (۱۳۸۵)، از بسیج تا انقلاب، مترجم علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی.
۸. الحناشی، عبدالطیف (شتاء ۲۰۱۱)، «نخبة الإستقلال المغاربية و المسألة الديمقراطية: الحبيب بورقيبة أنموذجاً»، المجلة العربية للعلوم السياسية، العدد ۲۹.
۹. خلاصه مقالات (شهریور ۱۳۸۸)، «ارزیابی ذخایر نفت خاورمیانه و شمال آفریقا»، ماهنامه اقتصاد انرژی، ش ۱۱۸، ص ۵۱.
۱۰. ربیعی، کامران (تابستان ۱۳۹۷)، «تبیین شرایط تکوین بهار عربی و زمینه‌های فروپاشی رژیم‌های تونس و مصر»، فصلنامه دولت‌پژوهی، س ۴، ش ۱۴.
۱۱. زیبا کلام، صادق؛ داوود افشاری و عبدالله اصلان‌زاده (تابستان ۱۳۸۹)، «علل روی کار آمدن خاتمی دولت اصلاحات ۱۳۷۶ براساس نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۵۱، س ۳، ص ۵۱-۷۶.
۱۲. سردارنیا، خلیل‌الله و رضا عمویی (تابستان ۱۳۹۵)، «بحران مشروعیت و ناکارآمدی و ناکامی اسلام‌گرایان النهضة در تونس»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۱۸.

۱۳. الشقیفی المارینی، ندی (۱۳۹۸)، پاییز سیاسی انقلاب‌های عربی، تبیین بسترهای شکل‌گیری بهار عربی و علل ناکامی آن، چ ۱، ترجمه سعدالله همایونی و اکرم مدنی، تهران: نشر نگاه معاصر.
۱۴. صادقی، سعید (۱۳۸۹)، تنوری‌های انقلاب، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۵. عبدالسلام، محبوب (۲۰۱۱)، «رؤية حول الثورة والتغيير»، موقع الجزيرة للدراسات، ۷ فبرایر.
۱۶. عظیمی دولت‌آبادی، امیر (پاییز ۱۳۹۹)، «تأثیر فرایند توسعه اقتصادی-اجتماعی بر وقوع انقلاب‌ها: مطالعه تطبیقی تاریخی انقلاب‌های ایران، تونس، مصر، لیبی و یمن»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱۲، ش ۴، ص ۱۲۱-۱۳۵.
۱۷. العلوی، هشام بن عبدالله (فروردین ۱۳۹۰)، «تونس طلایه‌داران قیام»، سیاحت غرب، ش ۹۲، ص ۹۴-۱۰۰.
۱۸. غنوشی، راشد (۱۳۸۹)، «راشد الغنوشی و جنبش اسلامی تونس»، ترجمه مریم حیدری و حسین عباسی، پگاه حوزه، ش ۲۹۸.
۱۹. غنوشی، راشد (بهار و تابستان ۱۳۶۹)، «امام خمینی و رهبری نهضت‌های اسلامی معاصر جهان»، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، دوماهنامه کیهان اندیشه.
۲۰. قاسمی، بهزاد (بهار ۱۳۹۸)، «تحلیل منطقی علل ناسازگاری نظریه توسعه نامتوازن با انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۶، ش ۵۶، ص ۸۷-۱۰۰.
۲۱. کولایی، الهه و سعیده حضرت‌پور (تابستان ۱۳۹۳)، «ریشه‌های داخلی و خارجی انقلاب ۲۰۱۱ تونس»، فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، ش ۲.
۲۲. گزارشگران بدون مرز (۲۰۱۱)، وضعیت اقتصادی تونس در برهه انقلاب، سایت گزارشگران بدون مرز.
۲۳. لیبض، سالم (صیف ۲۰۱۰)، «الدولة و أحزاب المعارضة القانونية. أية علاقة؟ حالة تونس»، المجلة العربية للعلوم السياسية، العدد ۲۷، ص ۱۹-۲۰.
۲۴. لطیفی، عادل (۲۰۱۱)، «قراءة فی حراک الشارع التونسی»، موقع الجزيرة للدراسات، ۹ فبرایر.
۲۵. مجله فارس پلاس (۱۳۹۰)، نقش مساجد در بیداری اسلامی تونس: کادرسازی انقلابیون در مساجد سیدی یوسف، خبرگزاری فارس: farsnews.ir.
۲۶. مجیدی، حسن و محسن رحیمی‌نیا (تابستان ۱۳۹۴)، «بررسی فرایندگذار به دموکراسی در تونس»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، ش ۲-شماره پیاپی ۲، ص ۱۲۱-۱۴۲.

۲۷. مسعودنیا، حسین؛ مریم هوشیارمنش و سمیه قارداشی (بهار ۱۳۹۴)، «نارضایتی اقتصادی و جنبش‌های معاصر عربی (مصر و تونس)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۱۳.
۲۸. نسیره، هانی (۲۰۱۱)، «ثورة تونس: تحديات الإحتكار و فزاعة الإسلاميين»، موقع الجزيرة للدراسات، ۷ فبرایر.
۲۹. نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۱)، «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب تونس»، فصلنامه رسانه، س ۲۲، ش ۳-۴، ص ۹۸-۱۲۴.
۳۰. نوکانی، زهرا (۱۳۹۹)، حجاب در تونس از استقلال تا انقلاب، خبرگزاری بین المللی قرآن: iqa.ir.
۳۱. نیاکویی، سیدامیر (زمستان ۱۳۹۰)، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، فصلنامه روابط خارجی، س ۳، ش ۴.
۳۲. الورفلی، مجدی (۲۰۱۱)، «فی ظل غياب التعطية الإعلامية... فایسبوک وکالة أنباء بدیلة»، جريدة إیلاف الألیکترونیة، ۱۴ ینایر.
۳۳. هاس، ریارد (۱۳۹۰)، خاورمیانه جدید، مترجم مهدی کاظمی، مجله تعاون، ش ۲۸، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۴. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
۳۵. هراتی، محمدجواد و رضا محمدی (بهار ۱۳۹۸)، «آزمون پذیري نظریه کرین بریتون در تحولات انقلابی تونس و مصر»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۶، ش ۵۶، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۳۶. هرسیچ، حسین و علی ابراهیمی (تابستان ۱۳۹۷)، «تله بنیانگذار و نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید: تحلیلی بر انقلاب تونس»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، ش ۲، ص ۵۱۳-۵۲۳.
37. Abou Jahiah, D (2011), "Tunisia: A Moment of Destiny for the Tunisian People and Beyond?," Open Democracy, Jan. 13.
38. Brooks, R. (2013), "Abandoned at the Place: why the Tunisian military Defected from the Ben Ali Regime in January 2011", *Journal of Strategic Studies*, Vol. 36, No. 2, pp. 205-220.
39. Filiu, Jaen-Pierre (2011), *The Arab Revolution*. Hurst Company London.
40. Gobe, E (2010), "The Tunisian Bar to the Test of Authoritarianism: Professional and Political Movements in Ben Ali's Tunisia (1990-2007)," *The Journal of North African Studies*, 2010, 15: 3, P. 344 .

41. Hibou and J. Hulsey (2006), "Domination & Control in Tunisia: Economic Levers for the Exercise of Authoritarian Power," *Review of African Political Economy*, Jun., 33: 108, P. 202.
42. Hirishman, A. O. (1984), *Pioneers in Development*, Oxford: Oxford University Press.
43. <https://www.opendemocracy.net>
44. Huntington, Samuel, (1968); *Political Order in Changing Societe*. New Haven: Yale University Press.
45. Luciani, Giacomo (1990), *The Arab State*, Berkley and Los Angeles: University of California Press .
46. Transparency International (2010), *Corruption Perception Index*.
47. Vidino, L. (2011), *Egyptian crosscurrents: the Muslim Brotherhood and democracy on the Nile*. Homeland Security Policy Institute.

